



را دوست دارم.

قاضی شخصیتی است که طبعاً هر کاری هم انجام می‌دهد باید طبق قانون باشد. این امر چطور؟ محدودیت‌هایی ایجاد کرد؟ مواردی بود که شما فکر کنید شخصیت از لحاظ دراماتیک باید فلان کار را بکند اما جلوی خود را به خاطر ملزومات قانونی بگیرد؟

بله. چنین بود. خیلی هم دردناک بود. آن‌جا با همه وجودم احساس کردم که قضات چقدر بعضی وقت‌ها اذیت می‌شوند. خیلی دلم برای قضات سوخت. واقعا درمی‌کشند. بعضی وقت‌ها احساسات آدم غلیان می‌کند و نمی‌توانی جلوی خودت را بگیری اما باز باید طبق قانون رفتار کنی. نمی‌خواهم مثال بزنم چون ممکن است هنگام چاپ مجله بخش‌های دیده‌نشده‌ای از سریال لو برود.

تجربه ما به عنوان علاقه‌مندان به سینما نشان داده که عموماً تماشاگران با شخصیت‌هایی که قیدوبندهای کمتری دارند بیشتر همدلی می‌کنند. در تاریخ سینما هم نمونه‌هایی از ما موران قانون که بسیار محبوب شدند (از هری کتیف بگیرید تا آل پاچینو «مخمصه») آدم‌هایی بودند که اتفاقاً زیاد به قیود قانونی وفادار نبودند. تاریخ سینما پر از تبهکاران محبوب است ولی مثلاً پلیس یا قاضی محبوب به آن اندازه وجود ندارد. حالا شما باید یک شخصیت کاملاً وفادار به قانون را به تصویر می‌کشید که حتی برون‌گرای‌ها یا عصیانیت‌هاش هم باید در چارچوب قانون باشد و در عین حال باید در هر اپیزود به همدلی برانگیزترین شخصیت ماجرا تبدیل می‌شود. چه چالشی برای حل این مشکل داشتید؟

باز باید برگردم به این نکته که سجاد مهرگان در طول کار همه‌جوره پشت من ایستاد. ما حتی سر تست گریم هم بحث داشتیم. من از روز اول می‌گفتم تست گریم باید جوری باشد که هر کسی سریال را می‌بیند احساس کند که می‌تواند خودش شبیه این آدم باشد. یعنی می‌خواستم گرایش خاصی به این شخصیت ندهیم. سجاد از نظر من حمایت کرد. زمان تمرین‌ها و زمان ضبط یکی از جنبه‌های اخلاقی که برای قاضی لحاظ کردیم و آن را از شخصیت آقای مهدی رنجگری الهام گرفتیم، جنس طنزای بود. یکی از خصوصیات بارز آقای

قاضی که الزاماً همیشه خشمگین نیست. بعضی موقع‌ها می‌خندد، مزاح می‌کند و حتی اشتباه می‌کند. سریال که جلوتر می‌رود می‌بینیم که شخصیت قاضی برای خودش خطوط قرمز دارد. گاهی احساساتش فعال می‌شود. گاهی به هم می‌ریزد و آدم نرمالی نیست که پشت آن میز نشسته است. این‌ها، از جایی به بعد، هدایت خود سجاد بود. حتی هنگام ضبط، دو، سه باری با سجاد وارد بحث شدم. در نهایت امروز که به آن قسمت‌ها نگاه می‌کنم می‌بینم که چقدر حرف کارگردان درست بود.

یکی از نکات کلیدی دیگر، جنس صدای قاضی بود. قاضی باید در صدایش ابهتی داشت که در لحن و بیان شما وجود دارد. اما آیا به طور ویژه روی بخش صدا کار کردید؟ مثلاً به سمت صداسازی برای شخصیت رفتید؟

نه. این ویژگی از اول وجود داشت. این لطف خدا بوده که این ویژگی را داشته‌ام. اصلاً زمانی نداشتیم که روی بیان کار کنیم. اما در سه، چهار سالی که نزد آقای مرادی بودم، یکی از زحمات بزرگی که ایشان برای ما کشیدند بیان ما بود که روی کار من تأثیر زیادی گذاشت.

یکی از نکات جالبی که سجاد در مصاحبه‌اش گفت جنبه حماسی مد نظرش برای شخصیت قاضی بود و این که شما شاهنامه خوان خوبی بودید و این در انتخاب شما نقش داشت و در فرآیند کار به ساخت شخصیت قاضی کمک کرد. این نکته خیلی برای من کنجکاوی برانگیز بود که چطور شما از روحیات و ویژگی‌های شخصیت‌های شاهنامه برای ساختن ابعادی از کاراکتر قاضی استفاده کردید.

من از بچگی به قهرمان‌ها علاقه داشتم. من هنوز عاشق فیلم «سامسون و دلبله» (سسیل ب. دمیل، ۱۹۴۹) هستم. وقتی موهای سامسون را کوتاه می‌کنند و قدرتش را از دست می‌دهد، در بچگی برایش اشک می‌ریختم. همین‌طور می‌توانم به فیلم‌های فراوان دیگری مثل قسمت اول و دوم «راکی» هم اشاره کنم. در سینمای خودمان هم عاشق سینمای آقای کیمیایی بودم که اصلاً شاخصه‌اش این است. این در من ریشه داشت.

یعنی به‌طور خاص قهرمانان تراژیک؟

بله. هنوز هم اگر کسی فیلمی به من معرفی کند که در آن قهرمان وجود داشته باشد، دیدن آن فیلم را در اولویت می‌گذارم. اما از جایی به بعد، تأثیر سجاد بود. من شاهنامه خوان خوبی نبودم بلکه شاهنامه خوان خوبی شدم. سجاد از من خواست که خواندن شاهنامه را شروع کنم. وقتی خواندن شاهنامه را شروع کردم دیدم که چقدر با روحیات من همخوان است و چقدر شخصیت‌هایی مثل فریدون، رستم و سهراب



من از بچگی به قهرمان‌ها علاقه داشتم. من هنوز عاشق فیلم «سامسون و دلبله» هستم. وقتی موهای سامسون را کوتاه می‌کنند و قدرتش را از دست می‌دهد، در بچگی برایش اشک می‌ریختم. همین‌طور می‌توانم به فیلم‌های فراوان دیگری مثل قسمت اول و دوم «راکی» هم اشاره کنم. در سینمای خودمان هم عاشق سینمای آقای کیمیایی بودم که اصلاً شاخصه‌اش این است

رنجگری این است که هر سؤالی از ایشان بپرسی با طنز به شما جواب می‌دهند اما به‌شکلی آن قدر جدی که اصلاً متوجه نشوی که دارد از طنز استفاده می‌کند. نمونه فوتبالی‌اش آقای فیروز کریمی است. این ویژگی را از آقای رنجگری گرفتم و خیلی هم روی آن تمرین کردم و زمان ضبط دیگر در من نشسته بود. بعضی وقت‌ها متهم یا شاکلی چیزی می‌گفت و من ناخودآگاه به‌صورت طنز جواب می‌دادم. همین می‌توانست یکی از نیایدهای کار باشد؛ این که قاضی مملکت شوخی می‌کند آن هم به‌شکلی که خیلی مواقع خنده می‌گیرد. اما ما انجامش دادیم. حتی در مورد بحث قهوه خوردن هم اعتراضاتی مبنی بر این شنیدیم که مگر قاضی وسط دادگاه می‌رود قهوه می‌خورد و برمی‌گردد؟ اما می‌خواستیم برخی از مرزها را بشکنیم. خدا را شکر تا امروز هم قوه قضاییه و هم صداوسیما خیلی از ما حمایت کردند. نگاه آن‌ها هم این بود که کمی تازه‌تر به قضایا نگاه کنیم و از آن‌ها ممنونم.

برای بازی در نقش قاضی جدا از دنیای واقعی، احیاناً از بازیگر دیگری هم الگو گرفتید؟ چه ایرانی و چه خارجی؟ یا جدا از الگو گرفتن اصلاً نمونه‌هایی را برای واکاوی تماشا کردید؟

به‌هیچ‌عنوان. البته قبلاً نمونه‌های زیادی دیده بودم. من بسیار به فیلم‌های نوآر و فیلم‌های پلیسی علاقه دارم. آخرین موردی هم که دیدم فیلم «من شیطان را دیدم» (کیم جی-وون، ۲۰۱۰) از سینمای کره بود که خیلی